

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۹۵/۰۷/۰۷

موضوع: مباحث پنجگانه اساسی و ریشه ای پیرامون «فدک»!

برنامه حبل المتین

مجری:

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت شما بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت». امشب با برنامه «حبل المتین» مهمان منازل شما هستیم و برنامه را اختصاص دادیم به موضوع «فدک».

می‌دانید که در این ایام در ماه ذی الحجه اتفاقات متعددی در صدر اسلام افتاده است و یکی از آنها واگذاری فدک از جانب نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به دستور و امر خداوند تبارک و تعالی بوده است.

به همین جهت امشب در خدمت کارشناس عزیز و ارجمند استاد بزرگوار آیت الله دکتر حسینی قزوینی هستیم و قرار هست در این خصوص با ایشان گفتگو کنیم و بخش دوم هم که متعلق به شماست.

به نیابت از شما عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرت استاد. سلام علیکم و رحمة الله:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه بینندگان عزیز و گرامی و دوست داشتنی که در هرکجای این گیتی پهناور بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار داده‌اند، خالصانه‌ترین سلامم را همراه با آرزوی موفقیت بیش از پیش تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و صدیقه طاهره که این ایام متعلق به این دو بزرگوار است، فرج موفور السرور مولایمان بقية الله الأعظم را نزدیک نموده و همه ما را از خواص و از سربازان فداکار آن حضرت قرار بدهد.

از خداوند متعال می‌خواهیم رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنماید، حوائج ما و شما گرامیان را برآورده نموده و دعاهای همه ما را به اجابت مقرون کند؛ ان شاءالله.

مجری:

ان شاءالله؛ حضرت استاد از شما متشکرم. بینندگان عزیز و ارجمند قرار است در این ایام که ایام واگذاری فدک است، امشب به صورت مبسوط در مورد فدک در خدمت استاد عزیز و ارجمند باشیم. به‌رحال موضوع فدک هم موضوعی کم اهمیت‌تر از مواردی که در شب‌های گذشته در «شبکه جهانی ولایت» مطرح شد نباشد.

نتیجه فدک بسیار مهم است و مسائلی که در صدر اسلام مطرح شد حول محور فدک بسیار قابل تأمل است و نتایج جدی را می‌تواند برای هر مسلمانی به دنبال داشته باشد.

به همین جهت که می‌دانم بخش عمده‌ای از شما بینندگان عزیز دوست دارید این مسائل و مطالب را از «شبکه جهانی ولایت» دریافت کنید و در مراکز علمی مطرح کنید و به بحث و گفتگو بگذارید دوست دارم این سؤال را از حضرت استاد بپرسم:

عمدتاً چه مسائلی حول محور و موضوع فدک ضروری است که در «شبکه جهانی ولایت» یا در حوزه‌های علمیه یا در دانشگاه‌ها و سایر مراکز علمی و پژوهشی بخواند مطرح شود؟!

مسائلی که حول این موضوع ضرورت بیشتری برای مطرح کردن دارد را من دوست دارم حضرتعالی برای ما و بینندگان عزیز بفرمایید.

مباحث پنجگانه اساسی و ریشه ای پیرامون «فدک»!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلوة علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله الی یوم لقاء الله افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد حسبنا الله و نعم الوکیل نعم المولی و نعم النصیر.

ما سال گذشته سه یا چهار ماه حول موضوع فدک از زوایای مختلف بحث کردیم و شبهاتی را که وهابیت از دیرباز در مورد فدک داشتند را پاسخ دادیم؛ نگاه ما به فدک به عنوان چند درخت یا یک زمین و امثال آن نیست.

همان‌گونه که «ابن ابی الحدید» از استادش نقل می‌کند و می‌گوید: آیا صدیقه طاهره که وقتی فدک را مطالبه کرد، راست می‌گفت؟! آیا فدک متعلق به حضرت زهراست؟! استادش گفت: بله.

او گفت: چرا هیئت حاکمه قبول نکردند؟! استادش گفت: اگر حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را در امر فدک تصدیق می‌کردند و قول او را صادق می‌دانستند و تأیید می‌کردند و فدک را برمی‌گرداندند؛ فردا بحث خلافت همسرش را مطرح می‌کرد و مشکل درست می‌شد!!

در حقیقت فدک نمودی از مسئله خلافت و امامت است؛ این مسئله از یک جنبه است. از جنبه دیگر زمانی که فدکی که متعلق به صدیقه طاهره بود به یغما رفت و به تصرف قرار گرفت، با تمام توان ولو به عنوان یک مال آن را مطالبه فرمودند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از همه بیشتر به سنت پدرشان آگاه است، زیرا که رسول گرامی اسلام فرمودند:

«مَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الشَّهِيدِ»

هرکسی در راه دفاع از مالش کشته شود شهید است.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۵،

ص ۵۲، ح ۳

بنابراین حضرت از روز اول بر صداقت و واقعیت هیئت حاکمه حق بطلان کشید. این افراد از آغازین روزهای خلافتشان حق دختر پیغمبر اکرم را این چنین غصب کردند و عدالت رعایت نشد و زیربنای ظلم نهاده شد!

این چنین هیئت حاکم‌های صلاحیتی بر اقامه عدل و رفع ظلم ندارند، زیرا اولین وظیفه حاکم اسلامی اقامه عدل در میان امت اسلامی است و رفع ظلم از شهروندان است. بنابراین صدیقه طاهره (سلام الله علیها) با تمام توان در این زمینه تلاش کردند.

اما اینکه باید چه مسائلی را در زمینه فدک مطرح کنیم و بدانیم؛ من خدمت عزیزان و جوانان شیعه و روحانیون بزرگوار و اساتید محترمی که الآن بیننده این برنامه هستند و شاید بحث‌های قبلی ما را هم ندیده باشند عرض می‌کنم:

درباره فدک چند مسئله اساسی و ریشه‌ای وجود دارد که همه ما باید به آن آگاه باشیم و به نظرم از ضروریات است.

این مسائل به جهت این است که هم خودمان آگاهی داشته باشیم و هم در برابر شبهاتی که امروز از ناحیه وهابیت چه در فضای سایبری و چه در فضای مجازی مطرح می‌شود، باید پاسخگو باشیم.

به عبارت دیگر امروزه پاسخگویی به شبهات از اوجب واجبات است؛ نه تنها در حد نماز و روزه و زکات نیست، بلکه خیلی فراتر از آن است.

به تعبیر مقام معظم رهبری امروز جهاد به معنای این نیست که کسی سلاح به دست بگیرد و برود در میدان نبرد با دشمنان مبارزه کند؛ بلکه جهاد کبیر آن است که انسان خود را مسلح به اسلحه علم کند و با سلاح علم به جنگ شبهه افکنان برود.

در این زمینه چند موضوع وجود دارد که باید روی این زمینه‌ها خوب کار کنیم که اگر امشب در سؤالات آقای حسینی بزرگوار باشد، من تلاش می‌کنم خلاصه این مسائل را عرض کنم.

بحث اول این است که آیا این فدک ملک شخصی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است، یا متعلق به بیت المال بوده است؟!

این مسئله باید برای ما حل شود. اگر فدک ملک شخصی نبی گرامی اسلام بوده است، در این صورت پیغمبر مالک آن هستند و اختیار دارند به هرکسی که می‌خواهند آن را ببخشند!!

ولی اگر فدک متعلق به بیت المال بوده است، در آن صورت هم طبق فرموده قرآن کریم:

(الَّتِي أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ)

پیغمبر اسلام از خود مؤمنین نسبت به آنان اختیاردارتر است،

سوره احزاب (۳۳): آیه ۶

بنا به تعبیر آقای «زمخشری» و دیگر مفسران اهل سنت ذیل آیه ۶ سوره مبارکه احزاب که به صراحت می‌گویند:

«النبی أولى بالمؤمنین من أنفسهم فی أمر دینهم و دنیاهم و آخرتهم»

الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل ، اسم المؤلف: أبو القاسم محمود بن عمر الزمخشری الخوارزمی ، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت ، تحقیق: عبد الرزاق المهدي؛ ج ۳، ص ۵۳۱

حتی اگر بیت المال هم باشد، نبی گرامی اسلام نسبت به آن اختیار تام دارند. این مسئله اول باید روشن بشود که فدک ملک شخص پیغمبر اکرم بوده است یا بیت المال بوده است!!

حال اگر اثبات کنند که بیت المال بوده است، شاید آقایان حرف‌هایی نسبت به آن ایجاد کنند، اما اگر ملک شخصی پیغمبر اکرم باشد، نمی‌توانند در آن شک و شبهه ایجاد کنند.

بحث دوم که مهم‌تر از بحث اول است، این است که آیا نبی گرامی اسلام در زمان حیات خودشان فدک را به صدیقه طاهره بخشیدند یا نبخشیدند؟!

اگر نبی گرامی اسلام فدک را به حضرت فاطمه زهرا بخشیدند، آیا این بخشش موقت بود و فقط متعلق به زمانی بود که نبی گرامی اسلام در قید حیات بودند؛ یا این بذل و بخشش مادام العمر بوده است؟!

در اینجا بحثی مطرح می‌شود که شیعیان و اهل سنت در کتب خود به آن اشاره می‌کنند و آن این است که اگر کسی مالی را هبه می‌کند که این هبه غیرمعووضه باشد شخص می‌تواند هر زمانی که خواست آن را مطالبه کند؛ اما در هبه معوضه نمی‌تواند این کار را انجام دهد.

اگر هبه به ارحام باشد؛ به معنای اینکه پدر مالی به پسر یا به دختر ببخشد، برادر به برادر ببخشد، فرزند به مادر ببخشد در این صورت در همان لحظه بیع لازم است و حتی یک ثانیه بعد از او پشیمان بشود حق برگرداندن این هبه را ندارد.

این نکته از ضروریات بحث است که ما باید به آن توجه کنیم و یکی از ریزه‌کاری‌های مسائل فقهی است. بنابراین باید ببینیم که آیا نبی گرامی اسلام فدک را به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بخشیده‌اند یا نه!!

ما دیشب برنامه‌ها را می‌دیدیم. ضمن تشکر از جناب آقای عباسی عزیز و بزرگوار و هم جناب آقای حسینی و همچنین عزیزان اهل سنت که آمدند؛ بنده به نوبه خودم از همه آنان تشکر می‌کنم.

هرچه این برنامه‌ها چالشی‌تر باشد، بنده بیشتر می‌پسندم و بحث‌های بی‌حال و بی‌روح و بی‌رمق باشد و طرف هم بگوید من ببینم و مطالعه کنم و سؤال کنم را نمی‌پسندم.

بحث سوم که در اینجا وجود دارد این است که بعد از آنکه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فدک را به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بخشیدند و غصب یا مصادره صورت گرفت و کارگران حضرت زهرا (سلام الله علیها) را بیرون کرد؛ آیا حضرت زهرا فدک را مطالبه کردند یا نه؟!

یکی از بحث‌های دیشب این بود که چرا رسول گرامی اسلام هبه‌نامه‌ای ننوشتند؟! من نمی‌دانم این آقایان در این دنیا زندگی می‌کنند یا در دنیای دیگری زندگی می‌کنند؟!

اولاً؛ اگر پدری یک فرزند بیشتر نداشته باشد، آیا اگر بخواهد بگوید این خانه یا زمین متعلق به توست، دستخطی هم به او می‌دهد؟! آیا همین آقایانی که این‌طور ادعا می‌کنند اگر ملکی به فرزند خود ببخشند، آیا برای او کتباً می‌نویسند؟!

ثانیاً؛ در آن زمان رسم بوده است که اگر شخصی مالی را به دیگری بخشید، به صورت شفاهی اموال خود را می‌بخشید نه کتبی!!

ابوبکر در آخر عمرش به عایشه وصیت می‌کند و می‌گوید: "بعد از من اموال را به این طریق به مصرف برسانید و خواهی هم در رحم نامادری دارید که وقتی به دنیا آمد این اموال هم که حق مسلم اوست به او بدهید." آیا ابوبکر در آن زمان نامه نوشت؟!

«جابر» نزد ابوبکر آمد و گفت: پیغمبر اکرم به من قول داده بود که وقتی بیت المال بحرین آمد، به من پنج هزار دینار بدهد. آیا در اینجا ابوبکر سؤال کرد که آیا پیغمبر اکرم نوشته‌ای هم به تو داد یا نه؟!

برادران بزرگوار اول مقداری مطالعه کنید، بعد روی خط بیابید. اگر مطالعه ندارید از بزرگانان سؤال کنید. ما امشب اعلام کردیم که خط ویژه‌ای را به شبکه‌های وهابی اختصاص بدهند که کارشناسان تماس بگیرند تا بحث علمی دوستانه داشته باشیم و جنگ و جدل نداریم.

کارشناسان وهابی بیابند تا در مورد فدک با هم بحث کنیم، اصلاً شاید ما اشتباه می‌کنیم و آن‌ها بیابند ما را روشن کنند. اگر خودشان اشتباه می‌کنند اشتباهشان را اصلاح کنند؛ گرچه ما از آنان انتظار اصلاح شدن نداریم!

خود آنان می‌گویند که «ابن تیمیه» گفته است: "توسل شرک است و اگر خود پیغمبر اکرم هم زنده شود و از قبر بیاید و بگوید توسل صحیح است، ما از ایشان هم نمی‌پذیریم!!"

من از اندیشمندان بزرگوار اهل سنت که از داخل یا خارج کشور بحث ما را می‌بینند تقاضا می‌کنم کسانی که واقعاً کار علمی کرده‌اند روی خط بیابند. بعضی از بزرگواران روی خط می‌آیند و مطالبی می‌گویند؛ اما همین که به بن بست می‌رسند می‌گویند: من عالم نیستم!

این دور از انصاف است!! انتظار ما از عزیزان و بزرگواران اهل سنت فراتر از این‌هاست. اگر اندیشمندان و مطلعین اهل سنت با ما تماس بگیرند، ما قدمشان را روی چشممان می‌گذاریم و افتخار می‌کنیم که آنان با ما دوستانه بحث کنند.

من از عزیزان اتاق فرمان درخواست می‌کنم اگر چنانچه تشخیص دادیم که بحث امشب به سه یا چهار ساعت هم طول کشید، ایرادی نداشته باشد و امشب بحث فدک را به انتها برسانیم. اگر آقایان واقعاً می‌خواهند بیایند، بیایند و بنشینیم و با هم بحث کنیم.

اگر امشب برنامه ما ۵ ساعت هم طول بکشد، بنده از طرف خودم اعلام آمادگی می‌کنم؛ یعنی ۵۰ درصد قضیه درست است و ۵۰ درصد دیگر بستگی به آقایان دارد.

دوستان امپکس ما هم کنداکتور را طوری تنظیم کنند که اگر تشخیص داده شد نیاز است بحث ما طولانی شود، ما امکان تغییر در کنداکتور را داشته باشیم.

بنابراین مسئله اول این بود که فدک ملک پیغمبر اکرم بوده است یا نه؟! مسئله دوم این است که پیغمبر اکرم فدک را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) بخشیدند یا نه؟! مسئله سوم این است که حضرت صدیقه طاهره فدک را مطالبه کردند یا نه!؟

بحث چهارم این است که پاسخ هیئت حاکمه به حضرت زهرا (سلام الله علیها) چه بوده است و چه پاسخی داده‌اند؟! پاسخ آنان از منظر قرآن کریم و سنت پیغمبر اکرم و سیره خود آنان چه تکلیفی دارد؟!؟

بحث پنجم این است که نتیجه فدک به کجا کشیده شد؟! چهار مسئله اول مقدمه بود تا ببینیم که نتیجه این قضایا به کجا کشیده شد!! من به نظرم ما باید در حوزه علمیه و دانشگاه روی این پنج محور کار کنیم.

مخصوصاً عزیزان بزرگواری که در خارج از کشور برنامه‌های ما را می‌بینند یا از طریق ایمیل با ما مرتبط هستند یا به صورت تلفنی و یا در مسافرت‌هایی که بنده داشتم می‌گفتند: "ما این بحث‌ها را می‌گیریم و به صورت مستند و مستدل آن را به زبان محلی ترجمه می‌کنیم و در مراکز علمی بحث و تدریس می‌کنیم!"

بنده از تمامی این عزیزان تقاضا دارم که به موضوع فدک بیشتر بپردازند؛ زیرا چند سال قبل خطبه فدک در جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک سند محکم و قاطع و تاریخی ثبت شد. خطبه فدکیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) به عنوان یک سند ماندگار و جاوید به دست مرجعیت شیعه از جمله حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی و دیگر نمایندگان مراجع و بزرگواران ثبت گردید.

اگر ما می‌توانستیم فیلم این سند ماندگار و جاوید را که زمانی داشتیم، پخش کنیم خیلی خوب بود. من در خدمت جناب آقای حسینی هستم.

مجری:

حضرت استاد از شما ممنونم. بنابراین ان شاء الله امشب بحث فدک را به جایی برسانیم و قضیه فیصله شود.

اگر آقایان وهابی می‌خواهند تماس بگیرند، در اولویت قرار داده می‌شود و روی خط تشریف بیاورند. اگر شرایط علمی را داشته باشند، بحث و گفتگوی علمی به صورت مناظره مطرح می‌شود؛ وگرنه می‌توانند سؤال مطرح کنند و پاسخ را همانند تمامی برنامه‌ها دریافت کنند.

عزیزان شیعه هم لطف کنند اطلاع رسانی کنند که اگر قرار شد بحث یا مناظره و گفتگویی داشته باشیم، دیگر امشب می‌خواهیم موضوع فدک را یکسره کنیم. ان‌شاءالله سؤالات و مطالب را در بخش دوم برنامه مطرح کنند.

امشب منتظر این هستیم که در مورد فدک سخت‌ترین سؤالات و مسائلی که ممکن است آقایان مطرح کنند را از قرآن، سنت، عقل و اجماع و هر چیزی از موضوعات و مطالب و چارچوب که به نظرشان می‌رسد را مطرح کنند.

ما منتظر هستیم که آقایان در «شبکه جهانی ولایت» مطالب خودشان را عنوان کنند تا پاسخ دریافت کنند. میان برنامه‌ای می‌بینیم، سپس برمی‌گردیم و باز هم در خدمت شما خواهیم بود.

بینندگان عزیز از همراهی شما ممنونم. تکرار می‌کنم امشب در برنامه «جبل المتین» به صورت ویژه مهمان منازل شما هستیم. اطلاع رسانی کنید اگر مخالفین ما بیننده برنامه نیستند، حتماً برنامه را دنبال و پیگیری کنند.

امشب تا هر زمانی که نیاز باشد، برنامه زنده ما ادامه پیدا می‌کند و قرار است موضوع فدک را به جایی برسانیم.

پیش بینی بسیاری از افراد ممکن است در مورد این برنامه این باشد که این برنامه بدون پاسخ بماند؛ اما آنچه از دست «شبکه جهانی ولایت» در مورد این موضوع برمی آید، گفتگوی علمی و زمینه سازی برای گفتگو و بحث علمی است.

امیدواریم صحنه طرف مقابل را خالی نبینیم. حضرت استاد فرمودید که چهار یا پنج موضوع است که در مورد فدک مسئله حساس و اساسی است و باید با دقت به آن پرداخته شود. بنده براساس همان چیزی که شما فرمودید سؤالات خودم را مطرح می کنم.

اولین مسئله ای که فرمودید این بود که آیا فدک بیت المال بوده است یا ملک شخصی نبی گرامی اسلام بوده است؟! آیا فدک براساس منابع اهل سنت به صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا سپرده شده است یا خیر؟!

بحث اول: آیا فدک ملک شخصی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) بود؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بنده تلاش می کنم به بحث ها به اختصار پاسخ بدهم تا بتوانم به تمامی موضوعاتی که مطرح شد جواب بدهم. اگر مباحث تمام نشد در جلسه دیگری در این زمینه به حول قوه الهی مطالب را بیان خواهیم کرد.

بنده تصاویر یکی دو مورد از سندها را نشان می دهم و مابقی هم تصاویر را نشان می دهم و رد می شوم. دوستانی که تکرار برنامه را می بینند می توانند به راحتی این مباحث را داشته باشند.

اگر جناب آقای حسینی همت کنند برنامه را همراه با پاورپوینتی که من آماده کردم و تصویر کتابها را روی سایت قرار دهند، دوستان ما می توانند به مطالب دسترسی داشته باشند.

اما در مورد اینکه فدک ملک اختصاصی نبی گرامی اسلام بود عزیزان به آیه ۶ سوره مبارکه حشر توجه کنند:

(وَ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَ لَا رِكَابٍ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)

خدا هر غنیمتی از آنان به رسول خود رسانید بدون جنگ شما رسانید شما بر اموال آنان هیچ اسب و شتری نتاختید لیکن این خدا است که رسولان خود را بر هر کس که خواهد مسلط می‌کند که او بر هر چیزی قادر است.

سوره حشر (۵۹): آیه ۶

این آیه شامل تمام غنایمی است که بدون شمشیر زدن و قتال و کشتار به دست می‌آید، همگی ملک پیغمبر اکرم است. همچنین «طبری» که آقایان معتقدند که معتبرترین و قابل اعتمادترین تاریخ است، می‌گوید:

«فكانت خيبر فينا للمسلمين»

خيبر بيت المال بود،

«وكانت فدك خالصة لرسول الله»

و فدک مخصوص پیغمبر اکرم بود،

«لأنهم لم يجلبوا عليها بخيل ولا ركاب»

زیرا برای تصرف فدک نه شمشیر کشیدند و نه اسبدوانی کردند.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت،

ج ٢، ص ١٣٨، باب ذكر الأحداث الكائنة في سنة سبع من الهجرة غزوة خيبر

همچنین آقای «ذهبی» در کتاب «تاریخ الإسلام» در جلد دوم صفحه ٤٢٢ می‌گوید:

«وكانت فدك خالصة لرسول الله لأن المسلمين لم يجلبوا عليها بخيل ولا ركاب»

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان الذهبي،

دار النشر: دار الكتاب العربي - لبنان / بيروت - ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. عمر عبد

السلام تدمري، ج ٢، ص ٤٢٢، باب ذكر صفية

همچنین آقای «بغوی» در کتاب تفسیر خودشان جلد ٤ صفحه ١٩٧ همانند همین تعبیر را دارند:

«وكانت فدك خالصة لرسول الله e لأنهم لم يجلبوا عليها بخيل ولا ركاب»

تفسیر البغوی، اسم المؤلف: البغوی، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك،

ج ٤، ص ١٩٧، باب الفتح: (٢٠) وعدكم الله مغانم... ..

آقای «ماوردی شافعی» از علمای بزرگ اهل سنت و از استوانه‌های کلامی آنان است که در کتاب

«الحاوی الکبیر» جلد چهاردهم صفحه ٥٥ همین تعبیر را دارد:

«وصارت فدك خالصة لرسول الله؛ لأنه أخذها بلا إيجاف خيل ولا ركاب، فكانت فيئا له، وكان

خير غنيمة للمسلمين»

الحاوی الکبیر فی فقه مذهب الإمام الشافعی وهو شرح مختصر المزني، اسم المؤلف: علي بن محمد بن

حبيب الماوردی البصری الشافعی، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - لبنان - ١٤١٩ هـ - ١٩٩٩ م،

الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض - الشيخ عادل أحمد عبد الموجود، ج ١٤، ص ٥٥، باب

وفى خبير حرم رسول الله

همچنین آقای «امام علاءالدین کاشانی حنفی» متوفای ٥٨٧ هجری در کتاب فقهی همانند «جواهر» و «شرایع» ما جلد هفتم صفحه ١١٦ مطلبی به همین شکل آورده است که می‌گوید:

«وَلَيْهَذَا كَانَتْ فَذَكَ خَالِصَةً لِرَسُولِ اللَّهِ إِذْ كَانَتْ لَمْ يُوَجِّفْ عَلَيْهَا الصَّحَابَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ مِنْ خَيْلٍ
وَلَا رِكَابٍ»

فدک خاص پیغمبر اکرم بوده است، زیرا صحابه برای او لشکرکشی نکردند و جنگی انجام ندادند.

بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، اسم المؤلف: علاء الدین الکاسانی، دار النشر: دار الکتاب العربی -

بیروت - ١٩٨٢، الطبعة: الثانية، ج ٧، ص ١١٦، فَضْلٌ وَأَمَّا بَيَانُ حُكْمِ الْعَنَائِمِ

همچنین در کتاب «أموال» اثر «ابو عبید قاسم» متوفای ٢٢٤ هجری است که از کتب معتبر اهل سنت است. او هم در صفحه ١٤ می‌گوید:

«ما أفاء الله على رسوله من المشركين مما لم يوجف المسلمون عليه بخيل ولا ركاب وهي فدك
وأموال بني النضير فإنهم صالحوا رسول الله على أموالهم وأرضيهم بلا قتال»

فدک و اموال بنی نضیر متعلق به پیغمبر اکرم است، زیرا آنان بدون قتال با پیغمبر اکرم مصالحه کردند.

کتاب الأموال، اسم المؤلف: أبو عبيد القاسم بن سلام، دار النشر: دار الفكر - بيروت. - ١٤٠٨ هـ - ١٩٨٨ م.، تحقيق: خليل محمد هراس، ج ١، ص ١٤، باب صنوف الأموال التي يليها الأئمة للرعية وأصولها في

الكتاب والسنة

همچنین آقای «یاقوت حموی» در کتاب «معجم البلدان» هم روایتی به همین شکل آورده است.

«فهی مما لم یوجف علیه بخیل ولا ركب فکانت خالصة لرسول الله»

معجم البلدان، اسم المؤلف: یاقوت بن عبد الله الحموی أبو عبد الله، دار النشر: دار الفكر - بیروت، ج ٤،

ص ٢٣٨، باب الفاء والدال وما يليهما

همچنین در کتاب «المختصر فی أخبار البشر» که یکی از کتب معتبر تاریخی اهل سنت است که متعلق به جناب آقای «ابوالفداء» است، در صفحه ٩٤ کاملاً این بحث را مطرح کردند.

«فکانت خيبر للمسلمين، وکانت فدک خالصة لرسول الله ﷺ لأنها فتحت بغير إيجاف خيل»

المختصر فی أخبار البشر، اسم المؤلف: أبو الفداء عماد الدين إسماعيل بن علي (المتوفى: ٧٣٢ هـ)، ج

١، ص ٩٤، باب الصلح بين النبي وقريش

این موارد نمونه‌هایی از مصادری بود که نشانگر این است که فدک ملک شخصی پیغمبر اکرم است. البته مدارک خیلی بیشتر است، اما من به همین موارد اکتفا کردم.

همچنین خدای وهابیت «ابن تیمیه» در این زمینه روایتی بیان کرده است، البته ما گفتیم که قدرت «ابن تیمیه» از خدایی که آنان معرفی می‌کنند بیشتر است؛ زیرا خدای آنان به قدری بی‌عقل است که می‌تواند به پیغمبر خود اسلحه بدهد تا خدا را بکشد.

قطعاً عقل «ابن تیمیه» خیلی بالاتر است، زیرا به هیچ وجه به شاگردش اسلحه نمی‌دهد تا او را بکشد.

خدای آنها می‌تواند هزاران نفر همانند خود را بیافریند، اما «ابن تیمیه» چنین کاری را نمی‌کند؛ زیرا اگر دو نفر همانند خود را درست کند خودش بیکار می‌شود و مریدان خود را از دست می‌دهد!!

«ابن تیمیه» خدای وهابیت به صراحت اعلام می‌کند:

«فَإِنَّ تَعَدُّ الطُّرُقِ وَكَثْرَتَهَا يَقْوَىٰ بَعْضُهَا بَعْضًا حَتَّىٰ قَدْ يَحْضُلُ الْعِلْمُ بِهَا وَلَوْ كَانَ النَّاقِلُونَ فُجَارًا

فُسَاقًا»

مجموع الفتاوی، المؤلف: تقی الدین أبو العباس أحمد بن عبد الحلیم بن تیمیة الحرانی (المتوفی: ۷۲۸

هـ)، المحقق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم، الناشر: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف،

المدينة النبویة، المملكة العربیة السعودیة، عام النشر: ۱۴۱۶ هـ/ ۱۹۹۵ م، ج ۱۸، ص ۲۶

بنابراین اگر این روایاتی که ما نقل کردیم، تمام بزرگان و مورخین آنان و حتی فقهای آنان از جمله «کاشانی حنفی» در کتب فقهی خودشان مطرح می‌کنند و بر طبق آن فتوا صادر می‌کنند معلوم می‌شود که امری مسلم و مقطوع به است. اگر راویان این روایت به قول «ابن تیمیه» فساق و فجار هم باشند، مطلب تمام است.

بحث دوم: آیا پیغمبر اکرم فدک را به حضرت زهرا بخشیدند؟!

اما در مورد این مسئله که آیا رسول گرامی اسلام فدک را به حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) بخشیده‌اند یا نه، آقایان ادعا می‌کنند که سند بدهید!!

در آن زمان کدام یک از خلفا برای بذل و بخششی که انجام داده‌اند سند دادند؟! اما ما سند داریم؛ اهدای فدک به حضرت فاطمه زهرا به نقل «ابو یعلی موصلی» که در کتاب مسند خود آورده است، با سند انجام شده است.

ایشان از علمای بزرگ اهل سنت است و در مورد او لفظ «الإمام الحافظ» به کار برده شده است. «ابن تیمیه» می‌گوید: اگر به کسی امام گفته شود، طعن طائنین در حق او مورد قبول نیست. «أبی یعلی» می‌گوید:

«لما نزلت هذه الآية (وأت ذا القربی حقه) الإسراء دعا النبی فاطمة وأعطاهما فدک»

مسند أبی یعلی، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن المثنی أبو یعلی الموصلی التمیمی، دار النشر: دار المأمون للتراث - دمشق - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، تحقیق: حسین سلیم أسد، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۱۰۷۵

در این روایت وارد شده است زمانی که آیه ۲۶ سوره اسراء خطاب به پیغمبر اکرم نازل شد که حق ذوی القربی را بپردازد، پیغمبر اکرم حضرت زهرا (سلام الله علیها) را خواست و فدک را به او عطا کرد. گویا رسول گرامی اسلام در محضر شماره یک رفته است و گفته است که سردفتر بنویس و کتاب آقای «ابو یعلی موصلی» همانند دفترخانه رسمی شماره ۱ است و این سند را نوشته است. دفترخانه شماره ۲ کتاب «فتوح البلدان» اثر آقای «بلاذری» است که یکی از کتب معتبر اهل سنت است، به طور مفصل در صفحه ۴۴ از قول حضرت صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می‌گوید:

«أن رسول الله جعل لی فدک فأعطنی إیاه»

فتوح البلدان، اسم المؤلف: أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۰۳، تحقیق: رضوان محمد رضوان، ج ۱، ص ۴۴، باب فدک

حضرت فاطمه زهرا هم می‌فرمایند: فدک متعلق به من است و پیغمبر اکرم آن را به من بخشیده است.

دفترخانه شماره ۳ کتاب «درّ المنثور» اثر آقای «سیوطی» از علما و شخصیت‌های بزرگ اهل سنت است. ایشان در جلد ۵ صفحه ۲۷۳ می‌گویند:

«لما نزلت هذه الآية (وأت ذا القربى حقه) دعا رسول الله فاطمة فأعطاها فدك»

زمانی که آیه (وأت ذا القربى حقه) نازل شد، رسول الله فاطمه زهرا را خواست و فدک را به او داد.

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۳، ج ۵، ص ۲۷۳

آیا مگر ارزش عبارت آقای «سیوطی» از دفترخانه‌هایی که شما دارید و سند مالکیت می‌نویسند، کمتر است؟! آیا ارزش کتاب «درّ المنثور» از سند مالکیت تک ورقی که شما امروزه می‌دهید کمتر است؟! شما می‌گویید: "چرا ننوشتید؟! خوب بفرمایید.

دفترخانه شماره ۴ کتاب «فتح القدير» اثر آقای «شوکانی» است. ایشان در جلد سوم صفحه ۲۲۴ از «بزار»، «ابو یعلی»، «ابن ابی حاتم»، «ابن مردویه»، «ابو سعید خدری» نقل می‌کنند:

«لما نزلت هذه الآية (وأت ذا القربى حقه) دعا رسول الله e فاطمة فأعطاها فدك»

فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدراية من علم التفسير، اسم المؤلف: محمد بن على بن محمد الشوكانى، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج ۳، ص ۲۲۴

موارد متعدد دیگری هم وجود دارد که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فدک را به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بخشیده است.

«ابن کثیر» در این زمینه اشکالاتی داشته است که ما همان زمان هم جواب دادیم. اگر کسی روی خط آمد و اشکالات «ابن کثیر» را مطرح کرد، من همانجا جواب می‌دهم. به قدری اشکال ایشان بی‌ارزش و سبک است که حتی نیاز به پاسخگویی ندارد.

غنچه‌های ولایت که عرصه را بر شبکه‌های شیطانی وهابی تنگ کرده‌اند، می‌توانند به اشکالات آنان جواب بدهند. این سؤال اول حضرتعالی بود، من در خدمت شما هستم.

بحث سوم: آیا حضرت زهرا (سلام الله علیها) فدک را مطالبه کردند یا نه!؟

مجری:

حضرت استاد بسیار ممنونم. سومین قضیه‌ای که شما فرمودید که در خصوص موضوع فدک مهم و حساس است، این بود که آیا ما دلیل قاطعی داریم که حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فدک را مطالبه کرده باشند یا خیر!؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اولاً عزیزان دقت کنند فدک در اختیار حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود. یکی از قواعد مسلم اسلامی، قاعده ید است.

زمانی که عبا بر دوش من است، نشانگر این است که این عبا ملک من است. اگر کسی بگوید: به چه دلیل این عبا روی دوش شماست، بنده به او می‌گویم که عبا فعلاً بر دوش من است و در ید من است. اگر بگوید: مال من است، می‌گویم: دلیل بیاورید!!

بنابراین اگر کسی ملکی منقول یا غیر منقول در اختیار دارد، طبق قاعده ید و تسلط کسی نمی‌تواند بگوید این ملک را از کجا آوردید!! قانون "از کجا آوردید" قانونی شیطانی است، الا در مواردی که شخص متهم به دزدیدن اموالی باشد.

اگر شخصی متهم به دزدیدن اموال مردم باشد و یک مرتبه در منزل او اموالی ببینند که با شغل او هیچ تناسبی ندارد، می‌توانند از او درخواست توضیح کنند.

بنابراین فدک در اختیار حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود و از دست آن بزرگوار گرفتند. در کتاب «تاریخ مدینه منوره» است که در شبکه‌های وهابی می‌گفتند: "از «تاریخ طبری» روایت نیاورید، بلکه از «تاریخ ابن شبه نمیری» بیاورید و آن برای ما معتبر است."

دفترخانه دیگری برای ثبت این حوادث «تاریخ مدینه منوره» است که در جلد اول صفحه ۱۲۹ می‌نویسد:

«إن أبا بكر رضي الله عنه انتزع من فاطمة رضي الله عنها فدك»

ابوبکر از دست حضرت زهرا (سلام الله علیها) فدک را غصب کرد.

تاریخ المدينة المنورة، اسم المؤلف: أبو زيد عمر بن شبة النميري البصري، ج ۱، ص ۱۲۹، باب ذکر فاطمة

والعباس وعلى رضي الله عنه، وطلب ميراثهم من تركة النبي

«انتزع» به معنای این است که مثلاً لیوانی در دست من است و شخصی دیگر به زور آن را از دست من می‌گیرد. بنابراین فدک دست فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بوده است و این افراد آن را غصب کردند.

مدرک بعدی از کتاب «الصواعق المحرقة» اثر «ابن حجر هیثمی» متوفای ۹۷۴ است. ایشان هم در اینجا می‌گوید:

«إن أبا بكر انتزع من فاطمة فدك»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي

ابن حجر الهيتمي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد

الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج ١، ص ١٥٧

همچنین آقای جوهری که از علمای بزرگ اهل سنت است، در کتاب «سقیفه و فدک» صفحه ١١١ همین بحث را مطرح می‌کند.

همچنین در مورد اینکه آیا حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فدک را مطالبه کردند یا نه، در اینجا عزیزان دقت کنند من می‌خواهم بحثی را در اینجا بیاورم که قبلاً هم آن را مطرح کرده بودم.

مرحوم «شهید سید محمد باقر صدر» که از علمای بزرگ شیعه بود در زمینه فدک کتابی دارند. ایشان به دستور صدام لعین که آقای «ملازاده» می‌گوید: "او از دیدگاه ما شهید است و ما او را شهید می‌دانیم!!" به شهادت رسید.

ما صدام را شخصی لعین و پست و خبیث می‌دانیم و جنایات او را کمتر از جنایات «حجاج بن یوسف ثقفی» نمی‌دانیم و او «حجاج زمان» بود. البته به نظرم فرزندان «ابولهب» در عربستان از جمله «ملک سلمان» و پسرش دست «حجاج» و «صدام» را در جنایت از پشت بسته‌اند!!

جنایتی که امروزه این افراد مرتکب می‌شوند، قطعاً «حجاج» چنین جنایتی را مرتکب نمی‌شد. طبق آماري که از یمن داریم، تاکنون حدود ١٠ هزار انسان بی‌گناه در یمن کشته شده است.

مردم یمن به این دلیل کشته شدند که یک رئیس جمهور بی‌عرضه با لباس زنانه با کمال خفت و ذلت فرار کرده است و می‌خواهند او را برگردانند؛ تمام بهانه ظاهری عربستان همین است و اما بهانه باطنی او چیز دیگری است.

دولت‌های غربی هم دارند از آن‌ها حمایت می‌کنند. این ننگ هم برای همیشه برای «سازمان ملل متحد» باقی ماند که رئیس آن اول این مسئله را به عنوان یک جنایات جنگی مخصوصاً کشتن کودک اعلام کرد، سپس از حرف خود برگشت.

رئیس سازمان ملل از ترس اینکه پول‌های کلانی که از کشورهای غربی دریافت می‌کند را از دست ندهد، حرف خود را پس گرفت!!

مردم دنیا بدانند ان‌شاءالله زمانی که حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا له الفداه) ظهور کنند، روزی می‌رسد که مردم از تمام کسانی که ادعای طرفداری از حقوق بشر می‌کنند؛ مأیوس شده باشند.

عده‌ای افراد ساده‌لوح می‌پندارند که ما «سازمان حقوق بشر» داریم، «یونیسف» داریم، «یونسکو» و کنوانسیون‌های مختلف حقوق بشری داریم؛ اما در رأس این سازمان‌ها فردی قرار دارد که حتی حاضر نیست اسم این کشورها را در لیست جنایتکار اضافه کند.

اخیراً گفته‌اند که فرانسه اصلاً اجازه نداده است که بیابند در مورد جنایات آل یهود در یمن تحقیق کنند؛ اما عزیزان بیننده بدانید:

(إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ)

آری پروردگار تو همواره در کمین است.

سوره فجر (۸۹): آیه ۱۴

همچنین به تعبیر امیرالمؤمنین:

«للباطل جولة و للحق دولة»

باطل جولانی می‌دهد، اما حق همواره جاوید است.

شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۹، ص ۷۳، ح ۱۴۱

مرحوم «سید محمد باقر صدر» که از اعظم علمای شیعه است، کتابی به نام «فدک فی التاریخ» دارد. از میان کتبی که در مورد فدک خوانده‌ام، تا به حال کتابی به زیبایی این کتاب ندیده‌ام.

در این کتاب بحث‌های تاریخی و فقهی و عقلی وارد شده است. ایشان یک فقیه مسلم بود که اگر واقعاً می‌ماند، بعد از آیت الله العظمی خوئی مرجعیت عامه را به عهده می‌گرفت و شاید هم در زمان ایشان به جایی می‌رسید که مقلدین زیادی داشتند.

ایشان در آنجا مراحل شش‌گانه مبارزه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با هیئت حاکمه را مفصل مطرح می‌کند.

عزیزان دقت کنند من خواهش می‌کنم به این بحث خوب دقت کنند، زیرا روی این بحث خیلی زحمت کشیده‌ام و تمام روایات مطالبات حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را دسته‌بندی کرده‌ام.

دیشب شنیدم که عزیزی می‌گفت: "حضرت زهرا نزد ابوبکر آمد و ابوبکر حرف‌هایی زد و ایشان مهاجرت کرد!"؛ این شخص مطلب جدیدی پیدا کرده است.

آنچه ما در لغت خواندیم و علمای اهل سنت آورده‌اند «فَهْجَرَت» به معنای قهر کردن است؛ اما آقایی می‌گوید «فَهْجَرَت» به معنای هجرت و مهاجرت کردن است!!

حضرت زهرا (سلام الله علیها) از منزل ابوبکر به کجا هجرت کرد؟! آیا از منزل ابوبکر به منزل حضرت علی (علیه السلام) هجرت فرمودند؟! عاقلان دانند.

دوستان عزیز مطالبه فدک از طریق ارسال وکیل است. دیشب هم در این مورد بحث کردیم؛ در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

«أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِنْتُ النَّبِيِّ أُرْسِلَتْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ تَسْأَلُهُ مِيرَاثَهَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِالْمَدِينَةِ»

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نماینده‌ای به سوی ابوبکر فرستاد و میراث خود را از پیغمبر اکرم که در مدینه باقی مانده بود،

«وَفَدَكَ وَمَا بَقِيَ مِنْ خُمْسِ خَيْبَرَ»

همچنین فدک و باقیمانده خمس خیبر را مطالبه فرمودند.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۴، ص ۱۵۴۹، ح ۳۹۹۸

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یک مرتبه از طریق فرستادن نماینده حق خود را مطالبه می‌کنند. همچنین در کتاب «مسند أحمد بن حنبل» جلد اول صفحه ۴ روایتی با سند صحیح آورده است که می‌گوید:

«لَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ أُرْسِلَتْ فَاطِمَةُ إِلَى أَبِي بَكْرٍ»

بعد از رحلت رسول گرامی اسلام حضرت زهرا (سلام الله علیها) نماینده‌ای به سوی ابوبکر فرستادند و فرمودند:

«أنت ورثت رسول الله أم أهله»

آیا تو وارث پیغمبر اکرم هستی یا خانواده پیغمبر اکرم وارث ایشان هستند؟!!

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) وارثی جز حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نداشتند. رسول گرامی اسلام چهار فرزند ذکور داشتند که همگی از دنیا رفته بودند و فرزندان اناث آن بزرگوار هم سه نفر بودند که همگی از دنیا رفته بودند.

در زمان رحلت رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) فرزندان ذکور و اناث آن بزرگوار جز حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) باقی نمانده بود و حضرت فاطمه زهرا تنها یادگار پیغمبر اکرم بودند.

روزی یکی از کارشناسان بی‌عقل شبکه‌های وهابی جوکی تعریف کرد که جوک قرن بیست و یکم بود و گمانم یکی دو مرتبه کلیپ آن از «شبکه جهانی ولایت» پخش شد که خیلی هم جالب بود. او می‌گفت: شیعیان معتقد هستند که زن ارث نمی‌برد، چطور می‌گویند که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ارث می‌برده است؟! خیلی شبهه سختی بود!!

این شخص واقعاً اینقدر سواد ندارد که بداند حضرت زهرا (سلام الله علیها) همسر پیغمبر اکرم نبود و دختر آن بزرگوار بوده است!!

آنها می‌گویند: زن از اعیان ارث نمی‌برد، بلکه از زمین ارث می‌برد. برفرض که حضرت زهرا (سلام الله علیها) از اعیان و درختان ارث نبرده است؛ آیا از ملک فدک ارث برده است یا نه؟! واقعاً باید بگوییم «الحمد لله الذی جعل اعدائنا من الجهلاء» نه «من الحمقاء».

وجود نازنین فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از طریق نماینده خود از ابوبکر سؤال فرمودند که وارث پیغمبر اکرم تو هستی یا خانواده آن بزرگوار است؟! ابوبکر در جواب گفت:

«فَقَالَ لَا بَلُّ أَهْلُهُ»

ابوبکر در جواب گفت: خانواده او می‌توانند از ایشان ارث ببرند.

مجری:

بنابراین پیغمبر اکرم هم ارث گذاشته است تا آنان ارث ببرند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله؛ اگر واقعاً پیغمبر اکرم ارث نمی‌گذارد جواب این روایت صحیح‌السند را چه چیزی می‌دهند؟!

«فَأَيُّ سَهْمٍ رَسُولَ اللَّهِ»

حضرت فاطمه زهرا فرمودند: سهم پیغمبر اکرم کجاست؟!

«فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَطْعَمَ نَبِيًّا طُعْمَةً ثُمَّ قَبِضَهُ جَعَلَهُ

لِلَّذِي يَقُومُ مِنْ بَعْدِهِ فَرَأَيْتُ أَنْ أَرُدَّهُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة قرطبة

– مصر، ج ۱، ص ۴، ح ۱۴

ابوبکر در جواب حرفی زد که ما کاری به آن نداریم. اما همان حرف اول که می‌گویند: "تنها خانواده پیغمبر اکرم ارث می‌برند"، همان برای ما کافی است و نیازی به بیشتر از آن نداریم.

همچنین در کتاب «تاریخ الإسلام» اثر «ذهبی» جلد یک روایتی وارد شده است:

«إن فاطمة دخلت على أبي بكر فقالت»

صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مستقیماً نزد ابوبکر آمدند و فرمودند:

«یا ابا بکر اریت لو مت الیوم من کان یرثک»

اگر همین امروز تو بمیری چه کسی از تو ارث می‌برد؟

از ظاهر تند روایت معلوم است که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بسیار غضبناک هستند و احترامی هم برای ابوبکر قائل نیستند.

«قال: أهلی وولدی»

گفت: خانواده و فرزندانم.

«فقالت: مالک ترث رسول الله صلی الله علیه و سلم من دون أهله وولدها»

حضرت زهرا فرمودند: چطور شد که تو وارث رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) شدی بدون

اینکه اهل خانواده ایشان ارث ببرند؟!

«فقال: ما فعلت یا بنت رسول الله»

ابوبکر گفت: من وارث پیغمبر اکرم نبودم و ادعای ارث نکردم.

«قالت: بلى قد عمدت إلى فدك وكانت صافية لرسول الله صلى الله عليه و سلم فأخذتها وعمدت

إلى ما أنزل الله من السماء فرفعته منا»

پس از آنکه صحبت‌هایی بین صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و ابوبکر ردوبدل شد، حضرت زهرا فرمودند:

«أنت ورسول الله أعلم ما أنا بسائلك بعد مجلسي هذا»

تا جایی که در روایت بعدی می‌گوید:

«أرسلت فاطمة إلى أبي بكر: أنت وريث رسول الله صلى الله عليه و سلم أم أهله فقال: لا بل أهله

قالت: فأين سهمه قال: إني سمعت رسول الله صلى الله عليه و سلم يقول: " إن الله إذ أطعم نبيا

طعمة ثم قبضه جعلها للذي يقوم من بعده "»

تاریخ الإسلام، المؤلف: الذهبي، ج ۱، ص ۳۶۶ و ۳۶۷، باب أبي بكر وفاطمة رضی الله عنهما

در این روایت هم دهها اشکال وجود دارد که ما در اینجا نمی‌خواهیم این اشکالات را مطرح کنیم.

همچنین در کتاب «الأحاديث المختارة» اثر آقای «مقدسی» جلد اول وارد شده است:

«أرسلت فاطمة إلى أبي بكر أنت وريث رسول الله أم أهله قال فقال لا بل أهله»

سند این روایت هم صحیح است زیرا در پاورقی می‌نویسد:

«إسناده صحيح»

الأحاديث المختارة، اسم المؤلف: أبو عبد الله محمد بن عبد الواحد بن أحمد الحنبلي المقدسي، دار النشر: مكتبة النهضة الحديثة - مكة المكرمة - ١٤١٠، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد الملك بن عبد الله بن دهيش،

ج ١، ص ١٢٩، ح ٤٢

در این روایت هم ابوبکر اعتراف می‌کند زمانی که پیغمبر اکرم از دنیا برود، خانواده او ارث می‌برند. همچنین در کتاب «البدایة و النهایة» جلد پنجم وارد شده است:

«لما قبض رسول الله أرسلت فاطمة إلى أبي بكر أنت ورثت رسول الله أم أهله»

حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرستاده‌ای نزد ابوبکر می‌فرستند و می‌فرمایند: آیا تو وارث پیغمبر اکرم هستی یا خانواده‌اش؟

«فقال لا بل أهله»

او گفت: خانواده‌اش.

البدایة والنهایة، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف - بيروت، ج ٥، ص ٢٨٩، باب بیان انه عليه السلام قال لا نورث

مابقی این روایت بحث دیگری دارد که ما کاری با آن نداریم. همچنین در کتاب «ارواء الغلیل» اثر آقای «ناصرالدین ألبانی» روایتی وجود دارد که ایشان می‌گویند روایت صحیح است و راویان آن غیر از «ابن جمیع» همگی ثقه هستند.

ما در مورد «ابن جمیع» حرف‌های زیادی برای گفتن داریم که الآن جای آن حرف‌ها نیست. «ألبانی» می‌نویسد:

«لما قبض رسول الله صلى الله عليه وسلم، أرسلت فاطمة إلى أبي بكر: أنت ورثت رسول الله صلى الله عليه وسلم أم أهله، قال: فقال: بل أهله»

إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل، المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)،
إشراف: زهير الشاويش، الناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية ١٤٠٥ هـ - ١٩٨٥ م، ج ٥،
ص ٧٦، ح ١٢٤١

این روایات همگی بیانگر این است که صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از طریق ارسال وکیل حق خودشان را مطالبه فرمودند. همچنین روایات دیگری وجود دارد مبنی بر اینکه خودشان شخصاً برای دریافت حق خود به ابوبکر مراجعه کردند.

در کتاب «طبقات الكبرى» جلد دوم اثر «ابن سعد» متوفای ۲۳۰ هجری وارد شده است که می‌گوید:

«أن فاطمة قالت لأبي بكر من يرثك إذا مت»

حضرت زهرا مستقیم به ابی بکر فرمود: اگر تو مُردی چه کسی از تو ارث می‌برد؟

«قال ولدی وأهلی»

ابوبکر گفت: فرزندانم و اهل‌م

«قالت فما لك ورث النبي دوننا»

حضرت فرمودند: پس چرا از پیغمبر اکرم ارث می‌بری؟

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى الزهرى، دار النشر: دار صادر

- بيروت، ج ٢، ص ٣١٤، ح ١ (ذكر ميراث رسول الله e وما ترك)

همچنین آقای «طبرانی» در کتاب «معجم الأوسط» جلد چهارم می‌گوید:

«کلمت فاطمة أبا بکر فی میراثها من رسول الله»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة -

۱۴۱۵، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسينی، ج ۴، ص ۱۰۴، ح

۳۷۱۷

همچنین در کتاب «أخبار مدينة منوره» اثر «ابن شبه نمیری» جلد اول وارد شده است که حضرت زهرا

(سلام الله علیها) مستقیماً نزد ابوبکر می‌آیند و ارث خود را مطالبه می‌کنند.

من این مطالب را کتب تاریخی، فقهی و کلامی طوری جمع کرده‌ام که دیگر راه گریزی نباشد. آقای

«سرخسی» از فقهای بزرگ اهل سنت است. ایشان می‌گوید:

«أنها ادعت أن رسول الله وهب فذک لها وأقامت رجلا وامرأة»

تا جایی که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نزد ابوبکر آمدند و فرمودند:

«من یرثک»

چه کسی از تو ارث می‌برد؟

«فقال أبو بکر رضی الله تعالی عنه أولادی»

سپس ابوبکر گفت: اولادم،

«فقال فاطمة رضی الله تعالی عنها أیرثک أولادک ولا أرث أنا من رسول الله»

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمودند: اولاد تو از تو ارث می‌برد و من از پدرم ارث

نبرم؟

المبسوط، اسم المؤلف: شمس الدین السرخسی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، ج ۱۲، ص ۲۹ و ۳۰،

باب کتاب الوقف

همچنین جناب آقای «طحاوی» از علمای بزرگ اهل سنت است که کتب او کتب درسی اهل سنت است، در کتاب «شرح معانی الآثار» جلد سوم صفحه ۳۰۸ همین روایت را مطرح می‌کند که حضرت فاطمه زهرا مستقیماً نزد ابوبکر آمد و مطالبه حق مسلم خود را فرمودند.

اگر شخصی بخواهد خود را به لجاجت بزند و و عقل و جدانش را زیرپا بگذارد، تقصیر ما چیست؟! آن‌ها می‌گویند: "حضرت زهرا چه زمانی مطالبه حق خود را فرمودند؟!" حضرت خودشان مطالبه کردند، وکیل فرستادند.

باز هم در کتاب «الطبقات الکبری» اثر «ابن سعد» وارد شده است که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نزد ابوبکر آمد درحالی که عباس و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هم همراه ایشان حضور داشتند و:

«تطلب میراث‌ها وجاء العباس بن عبد المطلب یطلب میراثه»

الطبقات الکبری، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منیع أبو عبدالله البصری الزهری، دار النشر: دار صادر

- بیروت، ج ۲، ص ۳۱۵، باب ذکر میراث رسول الله وما ترک

همچنین جناب آقای «صالحی شامی» در کتاب «سبل الهدی و الرشاد» جلد دوازدهم روایتی می‌نویسد

و می‌گوید:

«جاءت فاطمة لأبي بكر معها على فقالت: ميراثي من رسول الله»

سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحى الشامى، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٤ هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، ج ١٢، ص ٣٧٠، الباب الرابع عشر في حكم تركته

همچنین کتبی نظیر «میزان الاعتدال» و «سیر أعلام النبلاء» و غیره این مباحث را مطرح می‌کنند. در کتاب «صحيح بخارى» هم این روایت موجود است. او می‌نویسد:

«أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَالْعَبَّاسُ أَتَيَا أَبَا بَكْرٍ يُلْتَمِسَانِ مِيرَاثَهُمَا أَرْضَهُ مِنْ فَدَكٍ وَسَهْمَهُ مِنْ خَيْبَرَ»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخارى الجعفى، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٤، ص ٣٨١، ح ١٤٨١

بازهم در کتاب «طبقات الكبرى» مشاهده می‌کنیم:

«جاءت فاطمة إلى أبي بكر معها على فقالت ميراثي من رسول الله أبي»

الطبقات الكبرى، اسم المؤلف: محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله البصرى الزهرى، دار النشر: دار صادر - بيروت، ج ٢، ص ٣١٥، ذكر ميراث رسول الله

همچنین آقای «صالحى شامى» که از فقهای بزرگ اهل سنت است، در کتاب «سبل الهدى و الرشاد» می‌نویسد:

«وروى ابن سعد - برجال ثقات - سوى الواقدي»

البته ما ثابت کردیم که «واقدی» ثقه هست. ایشان در اینجا می‌گوید:

«فلما كان من الغد جاءت فاطمة لأبي بكر معها على فقالت: ميراثي من رسول الله»

سبل الهدى والرشاد في سيرة خير العباد، اسم المؤلف: محمد بن يوسف الصالحى الشامى، دار النشر:
دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١٤ هـ، الطبعة: الأولى، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد
معوض، ج ١٢، ص ٣٧٠، الباب الرابع عشر في حكم تركته

ما از کتاب «میزان الاعتدال» در رابطه با «واقدی» روایتی آوردیم که در ذهن آقایان روایتی غیر واقع
خطور نکند. در این کتاب در مورد «واقدی» می‌گوید:

«قال مجاهد بن موسى ما كتبت عن أحد أحفظ من الواقدي»

سپس «ذهبی» در تأیید حرف «مجاهد» می‌گوید:

«قلت صدق كان إلى حفظه المنتهى فى الأخبار والسير والمغازى والحوادث وأيام الناس والفقہ
وغيره ذلك»

مجاهد راست می‌گوید او انسان درستی است، حافظتر از او نیست و تمام اخبار و سیره صحابه
و تمام غزوات و حوادث تاریخی و فقهی به واقدی برمی‌گردد.

میزان الاعتدال فى نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي، دار النشر: دار
الكتب العلمية - بيروت - ١٩٩٥، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ على محمد معوض والشيخ عادل أحمد
عبدالموجود، ج ٦، ص ٢٧٤، ح ٧٩٩٩

عزیزان به کتاب «تاریخ الإسلام» هم توجه کنید. در این کتاب وارد شده است زمانی که صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) نزد ابوبکر می‌آید، ابوبکر در جواب می‌گوید: پیغمبران از خود ارثی به جای نمی‌گذارند!

او نه به حرف عباس گوش می‌کند، نه به حرف امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) گوش می‌دهند و نه به حرف صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گوش می‌دهند. زمانی که حضرت زهرا (سلام الله علیها) از ابوبکر مأیوس می‌شوند:

«فانصرفت إلی عمر فذکرت له کما ذکرت لأبی بکر، فقال لها مثل الذی راجعها به أبو بکر، فعبت وظنت أنهما قد تذاکرا ذلک واجتمعا علیه»

حضرت زهرا نزد عمر می‌آیند تا شاید او قانع شود، اما مشاهده می‌کنند همان حرف‌های ابوبکر را تکرار کرد. حضرت زهرا تعجب کردند و گمان بردند که این دو نفر با هم تباری کرده‌اند.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی، دار النشر: دار الکتاب العربی - لبنان / بیروت - ۱۴۰۷ هـ - ۱۹۸۷ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. عمر عبد السلام تدمری، ج ۳، ص ۲۴، باب أبی بکر وفاطمة رضی الله عنهما

این مطلب را ما نمی‌گوییم، بلکه آقای «ذهبی» می‌زند. بنابراین این روایات مربوط به مطالبه فدک توسط حضرت زهرا (سلام الله علیها) از هیئت حاکمه بود.

مجری:

حضرت استاد از شما متشکرم. سؤال بسیار مهم دیگری هم دارم و می‌خواهم از محضر استاد بپرسم.

تایم برنامه‌ای که تقدیم حضور شما می‌شود یک ساعت و سی دقیقه است، اما نمی‌دانیم که از شبکه‌های وهابی تماسی گرفته شده است یا نه و ظاهراً تاکنون تماسی صورت نگرفته است.

یک میان برنامه کوتاه بینیم و برگردیم، سؤال دیگری دارم که دوست دارم حضرت استاد ان‌شاءالله به آن پاسخ بدهند.

ظاهراً امشب مطالبی که برای فدک گفته شد، واقعاً تمام‌کننده این قضیه باشد. این بحث‌ها برای کسی که واقعاً وجدان داشته باشد و بخواهد تأمل کنند، تمام‌کننده است.

کارشناسان وهابی اگر ایرادی نسبت به این مطالب مفید و دسته‌بندی شده دارند، حتماً تماس بگیرند و ایراد خود را مطرح کنند. با ما همراه باشید، میان برنامه را می‌بینیم و باز هم در خدمت شما خواهیم بود.

به نظرم برنامه‌ای که تقدیم حضور شما می‌شود، واقعاً یکی از برنامه‌های ماندگار در «شبکه جهانی ولایت» باشد. قطعاً شما این دیدگاه را نسبت به تمامی برنامه‌های «شبکه جهانی ولایت» دارید، اما امشب در مورد فدک واقعاً مطالب به صورت جامع و کامل تقدیم حضور شما شد.

تا اینجا ثابت شد و شما دیدید حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فدک را به شیوه‌های مختلف مطالبه کرده بودند. آن حضرت برای مطالبه فدک مراجعه مستقیم داشتند، همراه امیرالمؤمنین و عباس عموی پیغمبر اکرم مراجعه کردند و همچنین واسطه فرستادند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که دستگاه حاکمه چه برخوردی را در قبال مطالبات حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) داشتند؟!

بحث چهارم: پاسخ دستگاه حاکمه به درخواست حضرت زهرا (سلام الله علیها)

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در رابطه با قضایایی که از حضرت زهرا (سلام الله علیها) مطرح شد، این افراد مطالبه بینه کردند و درخواست کردند که شاهد بیاورید.

نکته‌ای را خدمت عزیزان عرض کنم؛ بنده اشتباهی لفظی داشتم و گفتم زن از اعیان ارث نمی‌برد و از عرصه ارث می‌برد. طبق قاعده فقهی شیعه و اسلام زن تنها از اعیان ارث می‌برد، یعنی از دیوار و اشجار و سایر موارد ارث می‌برد؛ اما از زمین ارث نمی‌برد.

اگر مردی از دنیا برود که یک هشتم از مال او متعلق به همسر اوست، اگر فرضاً باغی داشته باشد که دارای زمین و درخت است. همسر میت از درخت ارث می‌برد، اما از زمین ارث نمی‌برد. ما گاهی در مورد عرصه و اعیان اشتباه می‌کنیم.

من از آقایانی که می‌گفتند: "حضرت زهرا باید سند داشته باشد"؛ می‌پرسم آیا همسران پیغمبر که بعد از رحلت رسول گرامی اسلام هرکدام در حجره خود ماندند، آیا سند مالکیت هم داشتند؟! پیغمبر اکرم نوشته بود که این خانه متعلق به شماست؟!

آیا زمانی که خلیفه اول و دوم در منزل پیغمبر اکرم دفن شد، ملک متعلق به پیغمبر اکرم بود یا ملک عایشه بود؟! اگر مراد ارث باشد که عایشه از زمین ارث نبرده است!!

آیا پیغمبر اکرم این زمین‌ها را به همسران خود بخشیده بودند یا همسران پیغمبر اکرم تنها حق سکنی داشتند؟!

ما قبلاً بحث کردیم که آقای «ابن حجر عسقلانی» به صراحت می‌گوید: همسران پیغمبر اکرم از حجراتشان تنها حق سکنی داشتند و بس!!

اولاً از حضرت زهرا (سلام الله علیها) مطالبه بینه کردند و گفتند: یا فاطمه! حال که می‌گویی پیغمبر اکرم فدک را به تو بخشیده است، آیا سندی هم به تو داده است یانه؟!

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فدک را از خلفا یک مرتبه به عنوان ملک شخصی مطالبه کردند و یک مرتبه به عنوان ارث آن را مطالبه فرمودند. دقت کنید آقای «بلاذری» در کتاب «فتوح البلدان» نقل می‌کند:

«قالت فاطمة لأبي بكر أن رسول الله جعل لي فدك فأعطني إياه وشهد لها علي بن أبي طالب»

حضرت فاطمه زهرا به ابوبکر فرمودند: رسول الله فدک را به من بخشیده است و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را به عنوان شاهد بردند.

«فسألها شاهداً آخر فشهدت لها أم أيمن»

سپس آن‌ها شاهد دیگری خواستند و حضرت أم ایمن را به عنوان شاهد بردند.

آیا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که شما به عنوان خلیفه چهارم او را قبول دارید، در اینجا شهادت دروغ داده است؟! آیا اگر کسی شهادت دروغ بدهد صلاحیت خلافت دارد؟!

اینکه رسول اکرم فرمودند:

«على مع القرآن والقرآن مع على لن يتفرقا حتى يردا على الحوض»

«حاکم نیشابوری» در ادامه می‌گوید:

«هذا حديث صحيح الإسناد»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج ٣، ص

١٣٤، ج ٤٦٢٨

آقای «بلاذری» در روایت بیان می‌کند بعد از آنکه علی بن ابی طالب شهادت داد، شهادت او را قبول نکردند. بعد از آن «أم ایمن» هم شهادت داد، خلفا شهادت او را هم قبول نکردند و گفتند:

«يا بنت رسول الله أنه لا تجوز إلا شهادة رجلين أو رجل و امرأتين»

ای دختر رسول الله یا دو نفر شاهد مرد بیاور، یا یک مرد و دو زن.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در مرحله بعد «رباح» غلام پیغمبر اکرم را به همراه «أم ایمن» آوردند و آن‌ها هم شهادت دادند. ابوبکر در جواب گفت:

«إن هذا الأمر لا تجوز فيه إلا شهادة رجل وامرأتين»

در این امر باید شهادت یک مرد و دو زن باشد، یک زن کفایت نمی‌کند.

فتوح البلدان، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت -

١٤٠٣، تحقيق: رضوان محمد رضوان، ج ١، ص ٤٤، باب فذك، ج ١، ص ٤٤، باب فذك

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آمده بود، «رباح» هم که آمد، شهادت هم شهادت مالی است و شهادت ناموسی نیست که همگی باید در یک جلسه باشد!!

مشاهده کنید که این کتب هیچ کدام کتب شیعیان نیستند و تماماً کتاب‌های عزیزان اهل سنت هستند.

همچنین در کتاب «الخراج و صناعة الكتابة» اثر آقای «قدامة بن جعفر» وارد شده است:

«آخر فشهدت لها أم أيمن مولاة النبي»

الخراج وصناعة الكتابة، اسم المؤلف: قدامة بن جعفر، دار النشر: دار الرشيد - العراق، الطبعة: الأولى،

تحقيق: محمد حسين الزبيدي، ج ١، ص ٢٥٩، باب أمر فدك

همچنین در کتاب «معجم البلدان» اثر آقای «حموی» مشاهده می‌کنیم:

«قالت فاطمة، رضی الله عنها، لأبي بكر، رضی الله عنه: إن رسول الله، صَلَّى الله عليه وسلّم، جعل

لي فدك فأعطني إياها، وشهد لها علي بن أبي طالب، رضی الله عنه، فسألها شاهدا آخر فشهدت

لها أم أيمن مولاة النبي، صَلَّى الله عليه وسلّم»

معجم البلدان، المؤلف: شهاب الدين أبو عبد الله ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي (المتوفى: ٦٢٦ هـ)،

الناشر: دار صادر، بيروت، الطبعة: الثانية، ١٩٩٥ م، ج ٤، ص ٢٣٨، باب فدك

«أم ایمن» کنیز پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) بوده است و «ریاح» هم غلام پیغمبر اکرم

بوده است. آیا غلام و کنیز پیغمبر اکرم عادل نبودند و فاسق بودند؟! به علاوه مگر شما نمی‌گویید:

«فإن الصحابة كلهم عدول»

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت، ج ١، ص ١٥٨، ح ١٨

آیا علی بن ابی طالب (علیه السلام) جزو عشره مبشره بودند یا نبودند؟! به ما جواب بدهید. همچنین

جناب آقای «سرخسی» در همینجا به طور مفصل بیان می‌کند که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه

السلام) و «أم ایمن» شهادت دادند.

همچنین «ابن حجر هیثمی» متوفای ٩٧٤ به صراحت می‌گوید:

«فشهد لها علی وأم أيمن»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة، اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي
ابن حجر الهيتمي، دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - ١٤١٧ هـ - ١٩٩٧ م، الطبعة: الأولى، تحقيق: عبد
الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج ١، ص ٩٤

این موارد یکی دو مورد نیست؛ همچنین در کتاب «أنساب الأشراف» جلد ٣ صفحه ٣١٦ وارد شده
است:

«دخلت فاطمة على أبي بكر حين بويع فقالت: إن أم أيمن، ورياح يشهدان لي أن رسول الله
أعطاني فذك»

حضرت فاطمه (سلام الله عليها) نزد ابوبکر آمدند و فرمودند: ام ایمن و ریح شهادت می‌دهند
که رسول الله فذک را به من بخشیده است.

سپس صحبت‌هایی میان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) و ابوبکر رد و بدل شد که در نهایت
صدیقه طاهره (سلام الله عليها) فرمودند:

«والله لا أكلمك»

به خدا بعد از این دیگر با تو حرف نخواهم زد.

ابوبکر در جواب گفت:

«والله لا أهجرک»

به خدا من با تو قهر نمی‌کنم.

«قالت والله لأدعون الله عليك»

حضرت فاطمه زهرا فرمودند: والله همواره تو را نفرین می‌کنم.

«قال: لأدعون الله لك»

ابوبکر گفت: همواره بر تو دعا می‌کنم.

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى: ۲۷۹ هـ)، ج ۳، ص ۳۱۶،

باب نسب بني تيم بن مرة بن كعب

این کتاب از کتب شیعه نیست؛ بلکه از کتب اهل سنت است. صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله

علیها) این قدر غضبناک شده است که چنین حرفی را زده است!!

مجری:

تازه کسانی هم حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را محکوم کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله همین طور است؛ درحالی که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند:

«يا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَغْضَبُ لِعِضْبِكَ وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر: دار

الكتب العلمية - بيروت - ۱۴۱۱ هـ - ۱۹۹۰ م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج ۳، ص

۱۶۷، ج ۴۷۳۰

اصلاً ما کاری به روایت:

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِئْتِ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ»

صحیح البخاری، المؤلف: محمد بن إسماعیل بن إبراهيم بن المغيرة البخاری، أبو عبد الله، مصدر الكتاب:

موقع وزارة الأوقاف المصرية، ج ۱۱، ص ۱۸۸، ح ۳۰۹۳

نداریم؛ ما اصلاً کاری به کتاب «صحیح مسلم» جلد ۷ صفحه ۱۴۱ حدیث ۶۲۰۲ نداریم؛ ما تنها همین روایت را از کتاب «حاکم نیشابوری» با سند صحیح به شرط شیخین آوردیم.

همچنین آقای «سمهودی» از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب «وفاء الوفا» جلد سوم می‌گوید:

«فشهد لها علی، فطلب شاهدا آخر، فشهدت لها أم یمن»

وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، المؤلف: علی بن عبد الله بن أحمد الحسنی الشافعی، نور الدین أبو

الحسن السمهودی (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۹، ج ۳،

ص ۱۵۷، باب طلب فاطمة من أبي بكر صدقات أبيها

این روایات از مواردی است که واقعاً نمی‌دانیم با آن چکار کنیم. بنده شعری که یکی از شعرای بزرگ از قول حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خطاب به رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) دارد را خیلی زمزمه می‌کنم.

بر فراز منبرت گردید حقم پایمال

هرچه نالیدم لبی هم در جوابم وا نشد

همسری چون من به راه شوهر خود جان نداد

کودکی چون محسنم قربانی بابا نشد

ای قلم بنویس ای تاریخ در خود ثبت کن

یک نفر در موج دشمن حامی زهرا نشد

آیا این شعر درست است یا درست نیست؟! آیا واقعیت دارد یا ندارد؟! آیا جا دارد که انسان شبانه روز برای مظلومیت حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اشک بریزد یا نه؟! به تعبیر حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداه):

«وَلَا بُكَيْنٌ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمَا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر، ج ۹۸، ص ۲۳۸، ح ۳۸

انسان باید برای مظلومیت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و حضرت سیدالشهداء (علیه السلام) به جای اشک خون گریه کند. ما نمی‌دانیم قضیه چیست و چه مسائلی وجود دارد که این افراد به این صورت این روایات را مطرح می‌کنند.

اگر آقایان وهابی تماس گرفته‌اند ما آماده گفتگو هستیم. بنده عرض کردم ما حاضریم اگر این افراد تماس بگیرند تا ساعت ۱۲ یا ۱ شب هم برنامه داشته باشیم.

دوستان عزیز شما را به حضرت زهرا (سلام الله علیها) که ایشان را دوست دارید قسم می‌دهم تنها همین یک روایت را نگاه کنید. می‌دانم که اهل سنت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) را دوست دارند.

ما کاری به وهابیت نداریم و با آنان بحث‌هایی داریم که بحث‌های علمی هست و دعوا هم نداریم. اهل سنت هر عقیده‌ای دارند ما به آنان احترام می‌گذاریم و آنان را فاسق یا کافر یا مهدور الدم نمی‌دانیم.

ما آنان را برادر خودمان می‌دانیم و پشت سر آنان نماز می‌خوانیم، ذبیحه آنان را می‌خوریم و همچنین ازدواج با آنان را هم جایز می‌دانیم. عقیده ما نسبت به اهل سنت این است و عقیده اهل سنت غیر متعصب هم نسبت به شیعیان همین است!

مشاهده کنید چقدر مردان اهل سنت با زنان شیعه ازدواج کردند و یا برعکس بوده است و دارند با هم زندگی می‌کنند. اگر در غالب شهرها قصابی شیعه وجود دارد، اهل سنت از قصابی شیعیان گوشت تهیه می‌کنند و می‌خورند.

بحث‌هایی که ما با هم داریم بحث‌های علمی هست که باید باشد. اصلاً هیچ راهی وجود ندارد که بحث‌های علمی وجود نداشته باشد و اگر وجود نداشته باشد همه چیز به هم می‌ریزد.

عزیزان اهل سنت تقاضا دارم تنها به این روایت توجه کنید که ما از حضرت زهرا (سلام الله علیها) از کتاب معتبر آوردیم که چطور جواب دادند. جا دارد انسان یک عمر برای حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) گریه کند. در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است:

«عن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا قَالَ قَالَ النَّبِيُّ لَوْ قَدْ جَاءَ مَالُ الْبَحْرَيْنِ قَدْ أُعْطِيَكَ هَكَذَا وَهَكَذَا وَهَكَذَا فَلَمْ يَجِئْ مَالُ الْبَحْرَيْنِ حَتَّى قُبِضَ النَّبِيُّ»

جابر بن عبدالله می‌گوید که پیغمبر اکرم به من وعده دادند که اگر بیت المال بحرین بیاید من به تو این مبلغ را می‌دهم، اما مال بحرین زمانی آمد که پیغمبر اکرم از دنیا رفته بود.

«فَلَمَّا جَاءَ مَالُ الْبَحْرَيْنِ أَمَرَ أَبُو بَكْرٍ فَنَادَى مَنْ كَانَ لَهُ عِنْدَ النَّبِيِّ عِدَّةٌ أَوْ دَيْنٌ فَلْيَأْتِنَا»

ابوبکر دستور داد جارچی در مدینه جار بزند که هرکسی از پیغمبر اکرم طلبی دارد و پیغمبر اکرم به او قول داده است بیاید.

«فَأْتِيَهُ فَقُلْتُ إِنَّ النَّبِيَّ قَالَ لِي كَذًا وَكَذَا فَحَتَّى لِي حَتِيَّةً فَعَدَدْتُهَا فَإِذَا هِيَ خَمْسَمِائَةٌ»

من رفتم و گفتم: پیغمبر اکرم به من قول داده بود که اگر مال بحرین آمد ۵۰۰ درهم به تو می‌دهم. ابوبکر یک مشت سکه روی دامنم ریخت وقتی شمردم ۵۰۰ درهم بود.

«وقال خذ مثلها»

و گفتم: حال که ۵۰۰ درهم گرفتی هزار درهم دیگر هم به تو خواهم داد تا ۱۵۰۰ درهم شود.

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار

ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۲، ص

۸۰۳، ح ۲۱۷۴

آیا «جابر بن عبدالله» از پیغمبر اکرم نوشته یا قباله محضری داشتند؟! آیا شاهد داشت؟! او نه شاهد

داشت، نه سند محضری داشت، نه رسید داشت و نه نامه‌ای از پیغمبر اکرم داشت!!

آیا جا دارد که انسان برای مظلومیت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) خون گریه کند یا نه؟!

آیا واقعاً جا دارد یا ندارد؟!

زمانی که صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) حق خود را مطالبه می‌کنند، خلیفه ادعا می‌کند که

چرا پیغمبر اکرم دست نوشته‌ای ندادند و از آن بزرگوار شاهد درخواست می‌کند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) و «أم ایمن» و «ریاح»

شهادت می‌دهند، اما هیچ‌کدام را قبول نمی‌کنند!!

می‌بینیم که «جابر بن عبدالله» این‌طور ادعا می‌کند. در مقابل جناب آقای ابوبکر نه تنها شاهی از او

مطالبه نمی‌کند و درخواست سند نمی‌کند؛ بلکه مبلغ را به همراه دو برابر آن مبلغ به او می‌دهد!!

جالب این است که در کتاب «فتح الباری فی شرح صحیح البخاری» می‌گوید:

«وفیه قبول خبر الواحد العدل من الصحابة ولو جر ذلك نفعاً لنفسه»

اینکه ابوبکر قول جابر را پذیرفت دلالت می‌کند بر اینکه خبر واحد عدل از صحابه مورد قبول است، ولو اینکه ادعا ادعای شخصی خودش باشد.

«لأن أبا بكر لم يلمس من جابر شاهداً على صحة دعواه»

ابوبکر از جابر سؤال نکرد که شاهد هم دارد یا ندارد.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج ۴، ص ۴۷۵، ح ۲۱۷۴

بفرمایید به ما جواب بدهید. اصلاً ما اشتباه می‌کنیم، شما درست آن را به ما بفرمایید! همچنین در کتاب «عمدة القاری فی شرح صحیح البخاری» روایتی وجود دارد که من هر وقت می‌خوانم واقعاً دلم می‌سوزد.

در جلد دوازدهم این کتاب همان حرف «ابن حجر» وارد شده است و می‌گوید:

«قلت: إنما لم يلمس شاهداً منه لأنه عدل بالكتاب والسنة»

ما از قرآن دلیل داریم که حتی یک نفر هم ادعا کند که قول صحابه قبول است.

«أما الكتاب فقولہ تعالیٰ: (کنتم خیر أمة أخرجت للناس) (آل عمران: ۱۰)»

اما قول خداوند تعالی که می‌فرماید: شما بهترین امت هستید.

قطعاً حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جزو امت نبوده است.

«فمثل جابر إن لم يكن من خير أمة فمن يكون»

اگر جابر جزو بهترین امت نباشد، پس چه کسی می‌تواند بهترین امت باشد؟!

«وأما السنة: فقولہ: (من كذب علی متعمداً..) الحدیث»

در سنت وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمود: هرکسی به من دروغ ببندد جایگاهش جهنم

است و گمان نمی‌کنیم برای یک مسلمان چه برسد به یک صحابی بخواهد دروغ بگوید.

اگر می‌گویید حضرت زهرا (سلام الله علیها) صحابی هم نبودند، آیا مسلمان بودند یا نبودند؟! حضرت

فاطمه زهرا (سلام الله علیها) دختر پیغمبر اکرم و صحابی هم نبود، آن‌ها می‌گویند:

«ولا یظن ذلك لمسلم»

انسان به یک مسلمان گمان نمی‌برد که بیاید به دروغ چنین ادعایی داشته باشد.

عمدة القاری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: بدر الدین محمود بن أحمد العینی، دار النشر: دار إحياء

التراث العربی - بیروت، ج ۱۲، ص ۱۲۱، ح ۶۹۲۲

این قضایا کاملاً مطرح است. حال من نمی‌دانم که واقعاً چکار کنیم و برنامه‌ای که آقایان مطرح می‌کنند

به چه صورت است؟! در ادامه شعر مشهور حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که من

غالباً آن را زمزمه می‌کنم، اجازه بدهید این را هم عرض کنم:

کسی که محنت ایام دید، من بودم

کسی که قامتش از غم خمید، من بودم

کسی که بعد رسول خدا به دامن خاک

مدام اشک ز چشمش چکید، من بودم

کسی که بعد وفات پدر به پای علی

مدام ستم ز اهل سقیفه کشید، من بودم

کسی که پشت در نیم سوخته فضا

صدای ناله او را شنید، من بودم

گرچه در این مورد حرف بسیار زیاد است، اما بنده تنها به همین اندازه اکتفا می‌کنم. حال نمی‌دانم

کارشناسان شبکه‌های وهابی روی خط آمدند یا نه!

کارشناسان وهابی برنامه‌های خود را از ترس غنچه‌های ولایت تعطیل کرده‌اند، اما ما داریم التماس

می‌کنیم که روی خط بیایند.

مجری:

حضرت استاد هیچ تماسی از جانب شبکه‌های وهابی گرفته نشده است. نه پیغامی گذاشتند، نه تماسی

گرفتند و هیچ عکس العملی نشان ندادند؛ هرچند برنامه حدود ۱۰ دقیقه از تایم معمول خود همعبور

کرده است. اگر صلاح می‌دانید برنامه را به پایان برسانیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اگر صلاح بدانید تماس تلفنی برقرار کنیم تا حداقل برنامه امشب بدون تماس تلفنی نباشد.

مجری:

یک عزیز اهل سنت پشت خط هستند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ایرادی ندارد. ما افتخار می‌کنیم، پیشانی عزیزان اهل سنت را می‌بوسیم و از اینکه روی خط تشریف بیاورند خوشحال می‌شویم که از فرمایششان استفاده کنیم.

مجری:

بنابراین تا ساعت ۲۲ با برنامه «حبل المتین» و با موضوع فدک مهمان منازل شما هستیم. میان برنامه‌ای می‌بینیم و برمی‌گردیم ان‌شاءالله در خدمت تنها عزیز اهل سنتی که تماس گرفتند خواهیم بود.

تماس‌های بینندگان برنامه:

بینندگان عزیز و ارجمند ممنون از همراهی‌تان. از این لحظه به بعد در خدمت عزیزان پشت خط هستیم. اولین بیننده پشت خط ما علی آقا از چابهار از عزیزان اهل سنت هستند. سلام علیکم و رحمة الله:

بیننده (علی آقا از چابهار - اهل سنت):

عرض سلام و خسته نباشید خدمت جناب آیت الله قزوینی عزیز و خدمت شما ارادت خاصی دارم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ممنون و متشکرم.

بیننده:

چندین شب است که می‌خواستم با شما تماس بگیرم منتها اتاق فرمان تماس من را وصل نمی‌کنند.

مجری:

ماجرا به چه صورت بوده است؟!

بیننده:

از روزی که برنامه‌ها پیرامون موضوع غدیر شروع شده است ما پشت سر هم زنگ می‌زنیم، اما وصل نمی‌شویم. امشب سعادت پیدا کردیم تا در خدمت شما هستیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

امشب این توفیق نصیب ما شده است.

مجری:

علی آقا اتاق فرمان می‌فرمایند که اگر هم تماس گرفتید آخروقت تماس گرفتید. زمانی که تماس‌ها به آخروقت موکول شود، چند نفر را به عنوان تماس ذخیره نگه می‌دارند که اگر بحث‌ها زودتر جمع شد آن‌ها را وصل کنند. شما چه ساعتی با برنامه تماس می‌گرفتید؟!

بیننده:

حالا به یاد ندارم، بگذریم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

علی آقا ما کلاً به دوستان توصیه کردیم اگر چنانچه ده شیعه پشت خط بودند، اما یک عزیز اهل سنت آمد حق تقدیم با عزیز اهل سنت است.

مجری:

همانند امشب که حدود ۲۰ نفر شیعه شماره گرفتند، اما تماس شما را بلافاصله وصل کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

شما جلوتر از ۲۰ نفر روی خط آمدید.

بیننده:

خیلی ممنونم و از این بابت متشکرم. من انتقاداتی هم دارم؛ من مانده‌ام روایت‌هایی که شما ارائه می‌دهید را چطور باور کنم. اصلاً برای من شبهه شده است.

از طرفی روز بیعت حضرت فاطمه را می‌زنند که مریض می‌شود و روز بعد کسی را نزد ابوبکر می‌فرستد و بعد جریان‌ات دیگر اتفاق می‌افتد. این اتفاقات همه در یک روز صورت نگرفته است.

بزرگان می‌فرمایند که در روز بیعت منزل حضرت فاطمه را آتش زدند، بعد چطور حضرت فاطمه خطبه فدکیه ارائه دادند و بعد رفتند در خانه تمام افراد را زدند؟! شاید این روایات دروغ است و تناقض دارد.

در ثانی می‌خواستم جواب سؤالی که شما فرموده بودید را بدهم به خاطر همان قضیه‌ای که گفتید: چرا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) نگفته بود و آنجا آمد درباره یمن صحبت نکردند!!

مجری:

اجازه بدهید من سؤال را بخوانم تا هم بینندگان متوجه شوند که شما می‌خواهید به کدام سؤال پاسخ بدهید تا هم سؤال به صورت مجدد خوانده شود.

سؤال ما این بود:

اگر شأن صدور حدیث غدیر شکوایه‌ای بوده است که در جیش یمن و در سفر آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به یمن انجام شده بود، چرا نبی مکرم اسلام در هیچ جایی در مورد خطبه غدیر و ارتباط با آن شکوایه سخنی نفرمودند؟! چرا خلفا نکته‌ای را نگفتند؟!

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چرا در هیچ جایی به غدیر استناد نکرده است که گفته باشند غدیر به جهت شکوایه یمن بوده است؟!

چرا آن از میان صحابه‌ای که در آنجا حضور داشتند، یک نفر بعداً این نکته را نگفتند که این جریان به خاطر شکوایه یمن بوده است؟!

بیننده:

من می‌خواستم به همین سؤال پاسخ بدهم. این بزرگ‌ترین دلیل محبت را می‌رساند، زیرا رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) شخص حکیم و دانایی بودند.

ایشان زمانی که اطلاع یافتند چنین افرادی هستند که بغض و اختلافی با حضرت علی (علیه السلام) دارند، نمی‌خواستند تمام صحابه بفهمند.

ما از رهبر عزیزمان آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) یاد گرفتیم در روزی که فتنه ۸۸ به وجود آمد، رئیس جمهور محبوب را گرفت و نگفت چه کسانی، بلکه گفتند این شخص همانند پسر به من نزدیک است.

مجری:

علی آقا من اینجا از شما سؤالی بپرسم بعد حاج آقا به سؤال شما جواب خواهند داد. زمانی که مقدمه می‌چینید، آیا احد الناسی در آن خطبه رهبری شک کرد که منظور ایشان چه کسی بوده است؟!

اگر شما شک می‌دانید همین الآن ۶ یا ۷ میلیارد نفر نسبت به خطبه پیغمبر اکرم شک کردند!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

علی آقای عزیز پیغمبر اکرم که می‌خواستند نام نبرند، آن‌ها از کجا فهمیدند که قصد پیغمبر اکرم این بوده است؟!

بیننده:

من دارم به همین سؤال پاسخ می‌دهم. شما یک صحابه همانند «سلمان»، «مقداد»، «ابوذر» نام ببرید که رفته باشند بلافاصله در مدینه گفتند باشند که در غدیر رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم) حضرت علی (علیه السلام) را جانشین خود انتخاب کردند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

احسنت؛ خدا اموات شما را بیامرزد، خیلی سؤال زیبایی بود.

بیننده:

البته این روایت را با سند صحیح در کتب اهل سنت بیاورید.

مجری:

خیلی سؤال شما قشنگ بود. حضرت سلمان همان روز بیعت با سند صددرصد صحیح استناد کرده باشند به غدیر با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در روز سقیفه، خوب است؟!

بیننده:

در جانشینی.

مجری:

در جانشینی و خلافت بلافصل، خوب است؟!

بیننده:

بله، خیلی خوب است. ما منتظر جواب این سؤال هستیم.

مجری:

خیلی متشکرم. ان شاءالله حضرت استاد پاسخ را خواهند داد تا ببینید که این اتفاق افتاده است یا نه!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نسبت به فرمایش اول علی آقا در مورد شهادت؛ ببینید اگر خانمی بچه سقط کرده باشد یا بچه به دنیا

آورده باشد آیا دیگر زمینگیر می شود و دیگر نمی تواند حرکت کند؟!

معذرت می خواهم آیا در چابهار اگر خانمی سقط جنین کرده باشد دیگر نمی تواند راه برود و باید او را با

ویلچر یا برانکارد ببرند؟!

زمانی اتفاق می افتد که پای شخصی را قطع می کنند و دیگران می گویند: "کسی که پایش قطع شده

است چطور رفته است؟!"; این حرف صحیح است، اما زمانی وجود دارد که دست شخصی متورم است و

پهلویش شکسته شده و فرزندش سقط شده است!!

اولاً هجوم به خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) سه یا چهار بار صورت گرفته است و ما نسبت

به تمام این موارد مدرک داریم، اما فرصت عرض کردن ندارم.

یک مرتبه به منزل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هجوم بردند که خلیفه اول رسماً اعلام کرد که
یا برای بیعت بیایید یا قسم به خداوند که من این خانه را به آتش می‌کشم. ما این روایت را با سند
صحیح از «تاریخ طبری» و «أنساب الأشراف» و دیگر کتب بیان کردیم.

دفعه بعدی امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را کشان کشان به مسجد بردند و حضرت صدیقه طاهره
(سلام الله علیها) هم پشت سر آنان رفت و همانجا به حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) گفتند:

«بایع»

یا علی! بیعت کن.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمودند:

«إن أنا لم أفعل فمه»

اگر بیعت نکنم چه اتفاقی می‌افتد؟!!

«إذا والله الذى لا إله إلا هو نضرب عنقک»

عمر گفت: اگر بیعت نکنی گردن تو را خواهیم زد!!

«إذا تقتلون عبد الله وأخا رسوله»

الإمامة والسياسة، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، سنة الولادة / سنة الوفاة ۲۷۶ هـ،

تحقيق خليل المنصور، الناشر دار الكتب العلمية، سنة النشر ۱۴۱۸ هـ - ۱۹۹۷ م.، مكان النشر بيروت، ج

۱، ص ۱۶، باب كيف كانت بيعة علي بن أبي طالب كرم الله وجهه

حضرت صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هم در آنجا بودند و از حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دفاع کردند و فرمودند:

اگر کوچکترین ضربه‌ای به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بزنید معجرم را باز می‌کنم و نفرین می‌کنم.

در این میان حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) سلمان را فرستادند و به حضرت زهرا (سلام الله علیها) گفتند: نفرین نکن، اگر نفرین کنی تمام مردم زمین نابود خواهند شد.

مرتبۀ سوم حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به همراه «عباس» و دیگران آمدند و «زبیر» در خانه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) اولین کسی بود که شمشیر کشید. عمر شمشیر او را گرفت و به سنگ زد و شمشیر تکه تکه شد.

مرتبۀ چهارم ابوبکر بالای منبر رفت و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را تهدید به قتل کرد. سپس در آنجا عمر با شعله‌ای از آتش آمد و این قضیه صورت گرفت.

خطبه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یا قبل از سقط جنین ایراد شده است و یا چند روز بعد از سقط جنین صورت گرفته است.

خانمی که سقط جنین می‌کند، هیچ مشکلی ندارد. منزل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به مسجد چسبیده بوده است و از منزل حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تا منبر پیغمبر اکرم حدود سی متر فاصله بوده است نه بیشتر!!

بنابراین رفته رفته بیماری حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بیشتر می‌شد و حال و توانایی پیاده رفتن را هم نداشتند.

«ابن قتیبه دینوری» و دیگر بزرگان اهل سنت در کتب خود آورده‌اند که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را سوار بر الاغ به منزل مهاجرین و انصار می‌بردند و اتمام حجت می‌کردند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در روزهای آخر توانایی راه رفتن نداشتند و سوار بر الاغ می‌شدند. اگر خواستید سند این روایات را از کتب اهل سنت برایتان خواهم آورد و خدمت حضرتعالی نشان خواهم داد.

از میان سندهای موجود تنها این سند را مشاهده کنید. در کتاب «نزهة الحفاظ» که نویسنده آن از علمای اهل سنت و متوفای ۵۸۱ هجری است، وارد شده است که می‌گوید حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به مسجد آمدند و سخنرانی کردند. این روایت صحیح است زیرا نویسنده آورده است:

«مُتَّفَقٌ عَلَيْهِ»

همه علمای اهل سنت بر صحت این روایت اتفاق نظر دارند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمودند:

«(أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ حَمٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ وَقَوْلُهُ

عَلَيْهِ السَّلَامُ لَعَلَى أَنْتِ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)»

نزهة الحفاظ، اسم المؤلف: محمد بن عمر الأصبهانی المدینى أبو موسى، دار النشر: مؤسسة الكتب

الثقافية - بیروت - ۱۴۰۶، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرضی محمد عبد المحسن، ج ۱، ص ۱۰۲، باب

کتاب النساء

این روایت علاوه بر این کتاب، در کتاب «مناقب أسد الغالب» وارد شده است که حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌فرمایند:

«أَنْسَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ غَدِيرِ خَمٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ وَقَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَعَلِي أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ»

مناقب الأسد الغالب، أمير المؤمنين أبي الحسن علي بن أبي طالب رضي الله عنه، المؤلف: ابن الجزري
شمس الدين محمد بن محمد (المتوفى: ٨٣٣ هـ)، تحقيق: طارق الطنطاوي، الناشر: مكتبة القرآن،
مصر - القاهرة، ج ١، ص ٥

همچنین «ابن جزری» در کتاب «أسمى المناقب» این روایت را بیان کرده است و «طبری» هم در کتاب «دلائل الإمامة» این روایت را بیان کرده است.

امام حسن مجتبی و امام حسین (علیهم السلام) این مباحث را مطرح فرمودند. ما روایاتی به نقل از تمام ائمه طاهرين (علیهم السلام) آوردیم که حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و دیگران این قضایا را مطرح کردند و در آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

شما مشاهده کنید که «سلمان» استدلال کرده است، «ابوذر» و «مقداد» استدلال به غدیر خم کردند. حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با سند صحیح در کتب شیعه این موارد را آورده است.

بنده به احترام حضرتعالی خدمت شما عرض می‌کنم که در کتاب «کافی» با سند صددرصد صحیح امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وارد شده است:

«نُصِبَ رَسُولُ اللَّهِ إِيَّايَ لِلنَّاسِ بِغَدِيرِ خَمٍّ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

پیغمبر اکرم در غدیر خم من را به امر الهی برای خلافت نصب کرده است.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۸،

ص ۳۴۴، ح ۵۴۱

مجری:

استاد راوی این حدیث هم «حضرت سلمان» هستند، درست است؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

بله راوی حدیث «حضرت سلمان» هستند که در او هیچ شک و شبهه‌ای هم نیست. ان شاء الله در جلسه دیگری حضرتعالی روی خط تشریف آوردید من در خدمت حضرتعالی هستم و تلاش می‌کنم آنچه نظر مبارک حضرتعالی روی آن است را کاملاً رعایت کنم.

از اینکه گاهی مواقع پشت خط ماندید و تماس شما برقرار نشد، من به نوبه خودم از حضرتعالی عذرخواهی می‌کنم.

مجری:

علی آقای عزیز مشاهده کردید که روایت صدرصد صحیح السند در روز سقیفه از زبان «حضرت سلمان» از قول آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مورد غدیر در خصوص نصب الهی بیان شده است.

هرچیزی که علی آقا خواستند در روایت حضرت استاد قید شده بود و فکر نمی‌کنم دیگر جای حرفی باقی مانده باشد. مشاهده کردید که این مصداق در کتب با سند صحیح موجود بود؛ همچنین حضرت استاد بحث هجوم را هم کاملاً فرمودند.

حضرت استاد با اینکه برنامه را حدود ۴۰ دقیقه اضافه بر سازمان ادامه دادیم از شبکه‌های وهابی خبری نشد.

البته مخالفین پای گیرنده‌ها بودند، عزیزان اهل سنت هم پای گیرنده حضور داشتند؛ اما کسی که احساس می‌کند پاسخی نسبت به فرمایشات شما داشته باشد، علی‌آقای عزیز بودند که هیچ اشاره‌ای به فدک نکردند.

اسم فدک تنها یک مرتبه روی فرمایشاتشان بود و به سراغ قضایای دیگر رفتند. قبل از آن به سراغ غدیر و بعد از آن به سراغ جریان هجوم رفتند.

استاد بسیار از شما ممنونم. فکر می‌کنم واقعاً حق مطلب در مورد فدک ادا شد. تنها موردی که باقی می‌ماند پاورپوینت مطالب حضرت استاد است که ان‌شاءالله تهیه می‌کنیم.

اگر استاد اجازه بفرمایند در کانال تلگرامی «شبکه جهانی ولایت» و «سایت تحقیقاتی حضرت ولی عصر» این مطالب را خواهیم گذاشت تا شما بینندگان عزیز هم بتوانید با محوریت‌هایی که حضرت استاد بر آن تأکید کردند استفاده کنید.

ان‌شاءالله می‌توانید از این مطالب در مجامع دانشگاهی، مجامع علمی - پژوهشی به خصوص حوزه‌های علمیه مطرح کنید و به دست دیگران هم برسانید.

حضرت استاد ساعت حول و حوش ۲۲ است. اگر دعا بفرمایید ممنونیم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد به ویژه به آبروی آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرج مولای ما ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک بگردان، رفع گرفتاری از گرفتاران بنما.

خدایا به حق محمد و آل محمد تو را قسم می‌دهیم همه عزیزان ما مخصوصاً عزیزانی که در سوریه و عراق و بحرین و یمن گرفتار هستند، از این گرفتاری خلاصی ببخش. مجاهدین ما در این کشورها مخصوصاً عراق و سوریه و یمن پیروزی نهایی نصیبشان بگردان.

خدایا دشمنان بشریت که در رأس آنان وهابیت تکفیری و دواعش هستند، به آبروی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) برای همیشه از صفحه گیتی ریشه‌کن بگردان.

خدایا به حق حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) امنیتی که به کشور ما نعمت داده‌ای و بالاترین نعمت است، این نعمت را از مردم ما مگیر.

خدایا کسانی که توطئه می‌کنند تا کشور جمهوری اسلامی را ناامن کنند، اگر قابل هدایت نیستند شرّشان را به خودشان برگردان و آنان را محو و نابود و مضمحل بگردان.

خدایا حوائج ما، حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت»، حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً ولایت یاوران گرامی برآورده نما، دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

مجری:

حضرت استاد از شما بسیار ممنونم. تنها یک نکته‌ای باقی مانده است که یکی از بینندگان عزیز «شبکه جهانی ولایت» به نام خانم یآوری از کرمانشاه برای ما پیام فرستادند و نوشتند:

برادرشان از بینندگان پر و پا قرص شبکه بوده است که متأسفانه سخته کردند و در وضعیت خوبی نیستند.

ان شاءالله بینندگان عزیز دعا کنند که تمام مریضان شفا پیدا کنند، در رأس آنان برای این بیننده عزیز و بزرگوار ان شاءالله دعا بفرمایند. دید خانواده عزیزشان نسبت به شبکه ما این بود که ما این مطلب را اعلام کنیم و ما هم وظیفه داشتیم که آن را اعلام کنیم.

ان شاءالله همه مریضان بر اساس صلاحدید و آنچه بر مصلحتشان هست شفا پیدا کنند و ان شاءالله همه حاجت‌های مشروع شما برآورده شود.

ان شاءالله بازهم برنامه ما را دنبال کنید. از همه شما ممنون و سپاسگذارم، التماس دعا. یا علی مدد،
خدانگهدار